روابط چین و رژیم صهیونیستی

در دوره تشدید تنش‌ها در منطقه غرب آسیا

پاییز ۱۴۰۵

مرکز تحلیل راهبردی و بین الملل

@ISACenter

بسم الله الرحمن الرحیم

بسمه تعالی

روابط چین و رژیم صهیونیستی در دوره تشدید تنش‌ها در منطقه غرب آسیا

مقدمه

در پاییز ۱۴۰۲، چند روز پیش از عملیات «طوفان الاقصی»، گزارشی با عنوان «بررسی روابط چین و رژیم صهیونیستی» منتشر کردیم. در آن گزارش، ضمن بررسی اهداف و انگیزه‌های همکاری طرفین، مهم‌ترین ابعاد همکاری چین با رژیم صهیونیستی و روندهای حاکم بر آن را بررسی کرده بودیم. بر اساس یافته‌های آن گزارش، روابط چین و رژیم صهیونیستی در دو دهه گذشته در خدمت چند هدف راهبردی پکن قرار داشته است:

نخست، چین رژیم صهیونیستی را یکی از مسیرهای دسترسی به فناوری‌های پیشرفته غربی می‌دانست. محدودیت‌های کمتر این رژیم در مقایسه با آمریکا و برخی کشورهای غربی در زمینه سرمایه‌گذاری و تعاملات اقتصادی و فناورانه با چین، دسترسی پکن به بخشی از این فناوری‌ها را تسهیل می‌کرد. دوم، در چارچوب راهبرد کلی چین برای تضمین دسترسی پایدار به انرژی منطقه، حفظ ثبات خاورمیانه همواره یکی از ملاحظات راهبردی پکن بوده است. در همین راستا، چین تلاش کرده است روابط خود را با طیف گسترده‌ای از کشورهای منطقه حفظ کند و با برقراری توازن در مناسبات خود با بازیگران رقیب، از تبدیل شدن به بخشی از منازعات منطقه‌ای جلوگیری کند. سوم، چین رژیم صهیونیستی را یکی از گره‌های مهم در شبکه «کمربند و راه» می‌دید که می‌توانست در تقویت اتصال میان سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا نقش داشته باشد. با این حال، در چند سال اخیر، تحولات جهانی و منطقه‌ای بر این اهداف و روابط چین و رژیم صهیونیستی تأثیر گذاشته‌اند.

در راس این تحولات تشدید رقابت راهبردی چین و آمریکا بر سر نظم بین‌المللی قرار دارد. استراتژی امنیت ملی آمریکا در اکتبر ۲۰۲۲، چین را تنها قدرتی می‌بیند که انگیزه و توان لازم برای تغییر نظم بین‌المللی مبتنی بر آمریکا را دارد. هر چند نشانه‌های این تشدید تنش از ابتدای دوره اول ترامپ آغاز شده بود اما از اواسط سال ۲۰۲۲، راهبردهای آن آشکارتر شد. این رقابت محدود به روابط مستقیم چین و آمریکا نشد و سرریز آن در مناطق دیگر از جمله خاورمیانه در سالهای اخیر به وضوح آشکار شده است. بایدن در ژوئیه ۲۰۲۲، در جریان سفر به خاورمیانه، با اشاره به افزایش رقابت در سطح جهانی، رقابت‌های بر سر نظم جهانی و اقدامات فزاینده چین در منطقه هند-اقیانوس آرام و فراتر از آن، بر تداوم حضور فعال آمریکا در خاورمیانه تأکید کرد و تصریح کرد که واشنگتن اجازه نخواهد داد خلأیی در منطقه ایجاد شود که چین، روسیه یا ایران آن را پر کنند.[1]

---

1. https://www.presidency.ucsb.edu/documents/remarks-the-gulf-cooperation-council-summit-jeddah-saudi-arabia

در همین راستا آمریکا برای کاهش نفوذ چین در منطقه و تقویت نظم آمریکایی در منطقه اقداماتی را انجام می‌دهد که محور اصلی آن تقویت نقش رژیم صهیونیستی در منطقه است. نشانه‌های این سیاست را می‌توان از پیش از سال ۲۰۲۲ نیز مشاهده کرد. در سال ۲۰۲۱، مسئولیت فرماندهی نظامی آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی از «فرماندهی اروپایی ایالات متحده» (EUCOM) به «فرماندهی مرکزی ایالات متحده» (CENTCOM) منتقل شد. همچنین، در اکتبر ۲۰۲۱، چارچوب همکاری «هند، اسرائیل، امارات متحده عربی و آمریکا» (I2U2) شکل گرفت که بر همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی مانند انرژی، حمل‌ونقل و امنیت غذایی متمرکز بود و بعدها به‌عنوان یکی از بسترهای سیاسی و اقتصادی مرتبط با طرح کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) مورد توجه قرار گرفت. این کریدور در سپتامبر ۲۰۲۳، در حاشیه نشست گروه ۲۰ در دهلی‌نو، به‌طور رسمی اعلام شد. از منظر واشنگتن این ابتکار می‌توانست، با تقویت اتصال اقتصادی میان هند، کشورهای خلیج فارس، رژیم صهیونیستی و اروپا، به‌عنوان جایگزینی در برابر ابتکار «کمربند و راه» چین عمل کند و روند رو به رشد نفوذ چین در منطقه را محدود سازد و از سوی دیگر، به تقویت روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه کمک کند. این معماری در نهایت می‌توانست به تقویت جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه، به‌عنوان یکی از اضلاع اصلی ترتیبات منطقه‌ای مورد حمایت آمریکا، و کاهش نفوذ چین در منطقه منجر شود.

این نقش در استراتژی امنیت ملی دولت ترامپ در سال ۲۰۲۵ با وضوح بیشتری بازتاب یافته است. این سند، امنیت رژیم صهیونیستی را یکی از منافع اساسی آمریکا در خاورمیانه می‌داند و بر تقویت همکاری با اسرائیل به عنوان متحدان محور آمریکا و سایر شرکای عرب برای تقسیم بار مسئولیت تأمین امنیت منطقه تأکید می‌کند. همچنین، جلوگیری از تسلط قدرت‌های رقیب بر خاورمیانه، منابع نفت و گاز آن و گذرگاه‌های راهبردی انتقال انرژی را از منافع آمریکا برمی‌شمارد. در امتداد روندهای پیشین، این رویکرد را می‌توان تلاشی برای حفظ نفوذ آمریکا از طریق تقویت شبکه متحدان منطقه‌ای به طور خاص رژیم صهیونیستی و افزایش نقش آن در تأمین امنیت و پیشبرد ترتیبات اقتصادی و راهبردی مورد حمایت واشنگتن دانست. در چنین چارچوبی، تقویت جایگاه منطقه‌ای اسرائیل می‌تواند به تحکیم نظم منطقه‌ای مطلوب آمریکا کمک کند و فضای مانور چین را در حوزه‌های راهبردی، از جمله زیرساخت‌ها، اتصال اقتصادی و مسیرهای انرژی، محدود سازد.

علاوه بر این با تشدید رقابت راهبردی میان آمریکا و چین، و تلاش آمریکا برای محدود کردن دسترسی چین به فناوری‌های پیشرفته غربی و کاهش اهرم‌های نفوذ چین در جهان، آمریکا به طور مستقیم تلاش کرده است تا روابط چین و رژیم را تضعیف کند. در مارس ۲۰۱۹، ترامپ به نتانیاهو هشدار داد که تعمیق روابط تل‌آویو با پکن می‌تواند روابط امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی را تحت فشار قرار دهد. در پی این فشارها، رژیم صهیونیستی به تدریج سازوکارهایی را برای بررسی و کنترل دقیق‌تر سرمایه‌گذاری‌های چینی ایجاد کرد و محدودیت‌های بیشتری بر حضور چین در برخی حوزه‌های فناورانه اعمال شد. فشار آمریکا صرفاً به روابط فناورانه چین و رژیم صهیونیستی محدود نماند و حضور و نفوذ چین در زیرساخت‌های راهبردی رژیم صهیونیستی، از جمله بنادر و شبکه‌های ریلی، را نیز دربر گرفت؛ حوزه‌هایی که می‌توانستند جایگاه رژیم صهیونیستی را در شبکه «کمربند و راه» تقویت کنند.

نقطه عطف دیگر، وقوع عملیات «طوفان الاقصی» در مهر ۱۴۰۲ (اکتبر ۲۰۲۳) بود؛ عملیاتی که در واکنش به تقویت نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه طراحی شده بود و در ادامه به تداوم و تشدید درگیری‌ها در سرتاسر منطقه تا به امروز منجر شده است. تشدید بی‌ثباتی، یکی از پیش‌فرض‌های راهبردی چین در منطقه، یعنی حفظ ثبات، را با چالش جدی مواجه کرده است. در نتیجه این ناآرامی‌ها، محیط راهبردی مورد اتکای چین در منطقه دستخوش تغییر شده و امنیت عرضه انرژی و سرمایه‌گذاری‌های چین در منطقه نیز تحت تأثیر این تحولات قرار گرفته است. با این وجود، جنگ بر دو روند دیگر گفته شده در تحولات منطقه‌ای نیز تأثیر گذاشته است و به طور خاص توسعه پروژه IMEC را تقریباً متوقف کرده‌است.

چین در مواجهه با این تحولات، باید در راهبرد خود نسبت به منطقه تغییراتی ایجاد کرده باشد. این تغییرات به‌ویژه در روابط چین با رژیم صهیونیستی اهمیت دارد؛ کشوری که آمریکا در سال‌های اخیر تلاش کرده است با تقویت جایگاه آن در منطقه ترتیباتی را ایجاد کند که در نهایت منجر به کاهش نفوذ چین در منطقه می‌شده است.

این گزارش، سه سال پس از گزارش اولیه، به دنبال بررسی تحولاتی است که در این مدت در روابط چین و رژیم صهیونیستی شکل گرفته است، تا از خلال این تحولات، تغییرات در سیاست چین نسبت به خاورمیانه جدید را نیز فهم کند.

گزارش چند محور را مورد توجه قرار می‌دهد، واکنش چین نسبت به تنش‌های منطقه که رژیم صهیونیستی به طور مستقیم در آنها درگیر بوده است را بررسی کرده‌ایم که عمدتا شامل مواضع و ابتکارات دیپلماتیک و برخی اقدامات عملی بوده است. روند روابط تجاری و سرمایه‌گذاری چین در رژیم صهیونیستی و همچنین چالش‌های نسبتاً جدیدی که در روابط دو طرف ایجاد شده و رابط را تحت تأثیر قرار داده است.

واکنش چین به عملیات طوفان الاقصی و جنگ غزه

اقدامات رژیم صهیونیستی عامل تشدید تنش در منطقه

چین به‌طور سنتی از فلسطینی‌ها حمایت سیاسی کرده، از راه‌حل دوکشوری پشتیبانی کرده و دولت فلسطین را به رسمیت شناخته است. پکن همچنین به‌طور مستمر از اقدامات تحریک‌آمیز و مغایر با حقوق فلسطینی‌ها، انتقاد کرده است. بااین‌حال، پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، مواضع چین درباره مسئله فلسطین برجسته‌تر و صریح‌تر شد. چین برخلاف انتظار رژیم صهیونیستی، در واکنش اولیه خود نه نامی از حماس برد و نه حمله این گروه را محکوم کرد یا آن را اقدامی تروریستی خواند. در عوض، از تشدید تنش‌ها ابراز نگرانی کرد و بر ضرورت حل‌وفصل سیاسی مسئله فلسطین تأکید داشت.[۲] با گسترش حملات رژیم صهیونیستی به غزه، انتقادهای چین صریح‌تر شد و مقامات چینی مسئولیت تشدید تنش را متوجه رژیم صهیونیستی دانستند.[۳]

چین در مواضع خود، بدون محدود کردن انتقادها به یک طرف درگیری، اعلام کرد که با هرگونه اقدامی که به غیرنظامیان آسیب برساند یا ناقض حقوق بین‌الملل باشد، مخالف است.[۴] در ادامه، مفاهیمی مانند «مجازات جمعی»، توصیف غزه به‌عنوان «زندان روباز»، غیرقابل‌قبول بودن «استفاده بی‌رویه از زور» از سوی رژیم صهیونیستی و مخالفت با «انتقال اجباری ساکنان غزه» به ادبیات دیپلماتیک چین راه یافت. درخواست برای توقف حملات و رفع محاصره غزه نیز به یکی از محورهای اصلی مواضع پکن تبدیل شد و در اظهارات مقام‌های ارشد این کشور بازتاب یافت.

چین همچنین بارها تأکید کرد که «مسئله فلسطین در مرکز مسئله خاورمیانه قرار دارد» و بدون حل‌وفصل عادلانه آن، دستیابی به صلح و ثبات پایدار در منطقه امکان‌پذیر نیست.[۵] این موضع نشان می‌دهد که پکن بحران غزه را صرفاً درگیری‌ای محدود میان رژیم صهیونیستی و حماس نمی‌داند، بلکه آن را بخشی از مسئله حل‌نشده فلسطین و یکی از موانع اصلی ثبات در خاورمیانه تلقی می‌کند.

---

۲. https://un.china-mission.gov.cn/eng/fyrth/202310/t20231008_11157299.htm

۳. https://www.mfa.gov.cn/eng/xw/zwbd/202405/t20240530_11365858.html

۴. https://un.china-mission.gov.cn/eng/chinaandun/202310/t20231018_11162652.htm

۵. https://www.fmprc.gov.cn/eng/gjhdq_665435/2675_665437/2833_663656/2835_663660/202311/t20231120_11183697.html

مخالفت با اقدامات و ابتکارات آمریکایی- رژیم صهیونیستی

انتقادهای چین به رژیم صهیونیستی محدود نماند و حمایت دیپلماتیک و نظامی آمریکا از این رژیم را نیز در بر گرفت. مقام‌های چینی بارها واشنگتن را به‌دلیل وتوی قطعنامه‌های آتش‌بس در شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد انتقاد قرار دادند. در اکتبر ۲۰۲۴ نیز نماینده دائم چین در سازمان ملل، با اشاره به بیش از ۱۷ میلیارد دلار کمک نظامی آمریکا به رژیم صهیونیستی، نقش این حمایت‌ها را در تداوم جنگ زیر سؤال برد.[۶]

این اختلاف در رأی‌گیری‌ها و مذاکرات شورای امنیت درباره غزه نیز بازتاب یافت. در عموم بیانیه‌هایی که از اکتبر ۲۰۲۳، در مورد مسئله غزه و رژیم صهیونیستی در شورای امنیت مطرح شده، چین عمدتاً با ابتکارات آمریکایی همراهی نکرده است. در مقابل، عدم همراهی آمریکا با مواضع و ابتکارهای مورد حمایت چین نیز مشاهده می‌شد. مهم‌ترین اختلافات دو کشور به اولویت و الزام آتش‌بس، نحوه صورت‌بندی مسئولیت طرف‌های درگیر، نقش رژیم صهیونیستی در بحران انسانی و میزان فشار شورای امنیت بر دولت رژیم صهیونیستی مربوط بود.[۷]

از معدود قطعنامه‌هایی که چین با رأی ممتنع با تصویب آن‌ها مخالفت نکرد، قطعنامه ۲۸۰۳ در نوامبر ۲۰۲۵ بود. این قطعنامه از طرح ترامپ برای پایان دادن به جنگ غزه و ایجاد «هیأت صلح» و نیروی بین‌المللی موقت برای تثبیت اوضاع در غزه حمایت می‌کرد. فو تسونگ، نماینده دائم چین در سازمان ملل، به دلایلی از جمله ابهام در ساختار اجرایی طرح، کمرنگ بودن نقش فلسطینی‌ها و نبود تضمین برای نقش مؤثر سازمان ملل در آن، ابراز نگرانی کرده بود. بااین‌حال، چین با توجه به وضعیت شکننده غزه و مواضع کشورهای منطقه و طرف فلسطینی، با تصویب قطعنامه مخالفت نکرد.[۸]

هم‌زمان، رسانه‌های دولتی چین بیش‌ازپیش از بحران غزه برای انتقاد از سیاست‌های منطقه‌ای واشنگتن استفاده کردند. در این روایت رسانه‌ای، «رفتار هژمونیک» آمریکا و حمایت «جانبدارانه» آن از رژیم صهیونیستی از عوامل مؤثر در تداوم و تشدید بحران معرفی می‌شدند. برخی از این تحلیل‌ها همچنین استدلال می‌کردند که تلاش آمریکا برای تأمین امنیت مطلق رژیم صهیونیستی به تشدید تنش‌ها در منطقه دامن زده است. در کنار این موارد، روایت‌های یهودستیزانه و نقش لابی یهود در سیاست‌های آمریکا نیز در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی چین پررنگ شده بود.[۹]

---

۶. https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/xw/zwbd/202412/t20241218_11498075.html

https://www.fmprc.gov.cn/eng/wjbzhd/202404/t20240419_11284599.htm

۷. https://press.un.org/en/2025/sc16708.doc.htm

https://press.un.org/en/2024/sc15907.doc.htm

https://press.un.org/en/2024/sc15723.doc.htm

https://press.un.org/en/2024/sc15641.doc.htm

https://press.un.org/en/2024/sc15637.doc.htm

۸. https://un.china-mission.gov.cn/eng/chinaandun/202511/t20251119_11755683.htm

۹. https://www.brookings.edu/articles/chinese-narratives-on-the-israel-hamas-war

نکته قابل‌توجه دیگر، نحوه بازتاب آسیب‌های واردشده به شهروندان چینی در جریان بحران است. با وجود کشته، زخمی یا مفقود شدن بیش از ۱۰ شهروند چینی در ارتباط با این بحران، این موضوع در روایت غالب رسانه‌های رسمی چین جایگاه برجسته‌ای پیدا نکرد.[۱۰] در نتیجه، پوشش رسانه‌ای پکن عمدتاً بر وضعیت انسانی غزه، انتقاد از اقدامات رژیم صهیونیستی و حمایت آمریکا از آن، ضرورت آتش‌بس و حل‌وفصل سیاسی مسئله فلسطین متمرکز ماند. این الگوی پوشش را می‌توان نشانه‌ای از اولویت دادن رسانه‌های رسمی چین به چارچوب کلان سیاست خارجی این کشور درباره بحران دانست.

ابتکارات چینی برای حل بحران غزه

پکن در کنار اعلام مواضع دیپلماتیک، ابتکارهایی نیز برای کمک به حل‌وفصل بحران غزه در پیش گرفت. در هفته‌های پس از آغاز جنگ، چین میزبان وزیران خارجه چهار کشور عربی و اندونزی شد. وانگ یی، وزیر خارجه چین، نیز در همین چارچوب بر پیوندهای پکن با کشورهای عربی و اسلامی تأکید کرد و چین را «دوست و برادر خوب» این کشورها خواند.[۱۱] پکن همچنین طرحی پنج‌ماده‌ای برای کاهش تنش و حل‌وفصل بحران مطرح کرد که محورهای اصلی آن توقف سریع درگیری‌ها، حمایت از راه‌حل دوکشوری و تقویت نقش سازمان ملل و کشورهای منطقه در روند سیاسی بود.[۱۲]

یکی از مهم‌ترین اقدامات چین، میزبانی گفت‌وگوهای گروه‌ها و جریان‌های اصلی فلسطینی در ژوئیه ۲۰۲۴ بود. در این نشست، ۱۴ گروه و جریان فلسطینی با هدف کاهش شکاف‌های داخلی و تقویت وحدت سیاسی گرد هم آمدند. حاصل این گفت‌وگوها، از جمله، «اعلامیه پکن» بود که بر وحدت گروه‌های فلسطینی و تشکیل دولتی موقت برای اداره غزه پس از جنگ تأکید داشت. این ابتکار در راستای تلاش چین برای فراهم کردن زمینه اداره غزه به دست فلسطینی‌ها و جلوگیری از تحمیل ترتیبات سیاسی از سوی بازیگران خارجی ارزیابی می‌شد.

هم‌زمان، چین ابتکاری سه‌محوری برای حل بحران غزه مطرح کرد که شامل: برقراری آتش‌بس جامع، پایدار و مستمر؛ اداره غزه پس از جنگ به دست فلسطینی‌ها؛ و حمایت از عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل متحد در راستای پیشبرد راه‌حل دوکشوری بود.[۱۳] این پیشنهادها نشان می‌داد که پکن می‌کوشد مواضع انتقادی خود درباره اقدامات رژیم صهیونیستی را با ارائه چارچوبی سیاسی برای پایان دادن به جنگ و تعیین وضعیت پس از آن همراه کند.

---

۱۰. https://www.brookings.edu/articles/chinese-narratives-on-the-israel-hamas-war/

۱۱. https://www.fmprc.gov.cn/eng/gjhdq_665435/2675_665437/2833_663656/2835_663660/202311/t20231120_11183697.html

۱۲. https://en.chinadiplomacy.org.cn/2023-11/30/content_116848912.shtml

۱۳. https://www.fmprc.gov.cn/eng/xw/zyxw/202407/t20240723_11458790.html

اقدامات عملی چین در تضعیف اقدامات رژیم صهیونیستی

علاوه بر مواضع دیپلماتیک و ابتکارهای سیاسی، چین برخی اقدامات عملی را نیز در میانه بحران غزه انجام داده است که به عدم تقویت رژیم صهیونیستی کمک کرده است. پس از آغاز جنگ در اکتبر ۲۰۲۳، شرکت‌های فناوری پیشرفته رژیم صهیونیستی در واردات برخی قطعات چینی دارای کاربرد دوگانه با مشکلات و تأخیرهایی مواجه شدند. رسانه‌های رژیم صهیونیستی گزارش دادند که تأمین‌کنندگان چینی الزامات اداری بیشتری مطرح کرده و درخواست مجوزهای صادراتی را افزایش داده‌اند. مقام‌های رژیم صهیونیستی این سخت‌گیری‌ها را مرتبط با جنگ ارزیابی کردند.[۱۴] افزون بر این، با تشدید جنگ، چین محدودیت‌هایی در ارسال نیروی کار ماهر چینی به این کشور اعمال کرد که در ماه‌های آغازین جنگ همزمان با کاهش سایر کارگران خارجی و فلسطینی چالش‌هایی را برای رژیم ایجاد کرد.[۱۵] همچنین در زمینه سرمایه‌گذاری در رژیم صهیونیستی نیز چین محدودیت‌هایی را اعمال کرد که بخش‌های بعدی به آن‌ها می‌پردازیم.

با وجود تنش‌های سیاسی میان چین و رژیم صهیونیستی و برخی اقدامات چین در مخالفت با عملیات و اهداف این رژیم، روابط اقتصادی و برخی همکاری‌های عمل‌گرایانه میان طرفین نیز ادامه یافته است. در بخش تحولات اقتصادی، روندهای کلان این ارتباط بررسی شد؛ اما در سطح پشتیبانی عملیاتی و لجستیکی نیز نمونه‌هایی قابل مشاهده است. برای مثال، شرکت اداره‌کننده بندر خلیج حیفا، متعلق به شرکت چینی SIPG، در طول جنگ به فعالیت خود ادامه داد و افزون بر پذیرش کشتی‌هایی که به دلیل حملات موشکی نمی‌توانستند یا تمایلی نداشتند در بندر اشدود پهلو بگیرند، اقداماتی در حمایت از اقتصاد اسرائیل و تلاش جنگی آن انجام داد. این اقدامات شامل اهدای ده‌ها کانتینر زرهی به ارتش اسرائیل، فراهم‌کردن محل اقامت و غذا برای یک گروهان از سربازان و افسران فرماندهی جبهه داخلی و تمدید معافیت واردکنندگان از پرداخت هزینه‌های انبارداری بود.[۱۶]

---

۱۴. https://www.ynetnews.com/business/article/b1ze7rrda

۱۵. https://www.timesofisrael.com/amid-worker-shortage-israeli-builders-struggle-to-repair-war-damage/

۱۶. https://www.inss.org.il/publication/port-haifa-3-years/

۱۷. https://un.china-mission.gov.cn/eng/chinaandun/securitycouncil/202403/t20240322_11265144.htm

واکنش چین به حملات رژیم صهیونیستی به سوریه، لبنان و ایران

همان‌طور که گفته شد، چین مسئله فلسطین را در قلب چالش‌های خاورمیانه تصویر کرد. در همین چارچوب، پکن سایر تحولات منطقه پس از جنگ غزه را نیز عمدتاً سرریز این درگیری می‌داند، نه پدیده‌هایی مستقل از آن. این برداشت در مواضع چین درباره بسیاری از تحولات منطقه پس از اکتبر ۲۰۲۳ که اسرائیل در وقوع آنها محوریت داشته است تکرار شده است، و چارچوبی برای تحلیل این تحولات و تعیین جهت‌گیری واکنش چین فراهم کرده است.

- **در مورد سوریه**، چین پیش از سقوط حکومت بشار اسد، در واکنش به حملات رژیم صهیونیستی موضعی انتقادی اتخاذ می‌کرد. این موضع در چارچوب تأکید بر حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه، مخالفت با حضور نظامی خارجی و جلوگیری از سرایت جنگ غزه به دیگر بخش‌های منطقه بیان می‌شد. با این حال، پس از روی کار آمدن جولانی، پکن در ابتدا موضعی محتاطانه گرفت و تأکید کرد که آینده سوریه باید به دست مردم این کشور تعیین شود.[۱۸] اما، در ادامه، حکومت جدید را به‌عنوان واقعیت سیاسی سوریه پذیرفت و برای حفظ کانال‌های ارتباطی با دولت جدید تلاش کرد؛ اما همزمان اجازه نداد تغییر حکومت به معنای مشروعیت‌بخشی به اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی تلقی شود.[۱۹]

- **در مورد لبنان**، چین بحران این کشور را در پیوند با جنگ غزه و تداوم ناکامی در برقراری آتش‌بس تحلیل کرد و توقف جنگ غزه را یکی از شروط مهار گسترش درگیری در منطقه دانست.[۲۰] هم‌زمان، با تشدید حملات رژیم صهیونیستی، موضع پکن از دعوت کلی به خویشتن‌داری فراتر رفت و به محکومیت نقض حاکمیت و تمامیت ارضی لبنان، عملیات زمینی رژیم صهیونیستی و حملات به نیروهای یونیفل رسید. چین همچنین بر ضرورت پایبندی رژیم صهیونیستی به قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت تأکید کرد.[۲۱] بااین‌حال، واکنش پکن عمدتاً در چارچوب دیپلماسی چندجانبه، درخواست آتش‌بس، حمایت از حاکمیت لبنان و ارائه کمک‌های بشردوستانه باقی ماند.

---

۱۸. https://www.mfa.gov.cn/eng/xw/fyrbt/lxjzh/202412/t20241217_11495824.html

۱۹. https://www.mfa.gov.cn/mfa_eng/xw/zwbd/202503/t20250327_11583088.html

۲۰. https://www.mfa.gov.cn/mfa_eng/xw/fyrbt/fyrbt/202409/t20240929_11500223.html

https://www.mfa.gov.cn/eng/xw/zwbd/202408/t20240809_11468852.html

۲۱. https://www.mfa.gov.cn/eng/xw/zwbd/202410/t20241011_11505506.html

- **در مورد ایران**، چین در واکنش به حمله رژیم صهیونیستی به بخش کنسولی سفارت ایران در دمشق در آوریل ۲۰۲۴، این اقدام را محکوم کرد و بر ضرورت احترام به حاکمیت کشورها و مصونیت اماکن دیپلماتیک تأکید داشت. بااین‌حال، پس از حمله موشکی و پهپادی ایران به رژیم صهیونیستی در ۱۳ آوریل، پکن حمله ایران را صریحاً محکوم نکرد و به ابراز نگرانی از تشدید تنش‌ها و دعوت به خویشتن‌داری بسنده کرد. چین تحولات منطقه را در چارچوب سرریز درگیری غزه تحلیل می‌کرد و بر ضرورت جلوگیری از گسترش جنگ تأکید داشت.[۲۲] این رویکرد در اکتبر ۲۰۲۴، پس از حمله موشکی ایران به رژیم صهیونیستی، نیز ادامه یافت؛ به‌گونه‌ای که چین ضمن ابراز نگرانی از تشدید تنش‌ها، از محکومیت اقدام ایران خودداری کرد و بر مهار بحران و برقراری آتش‌بس در غزه تأکید داشت.

در مقابل، چین در واکنش به حملات رژیم صهیونیستی به ایران در اکتبر ۲۰۲۴ و ژوئن ۲۰۲۵ موضع صریح‌تری اتخاذ کرد و این حملات را محکوم ساخت. در جریان جنگ دوازده روزه در ژوئن ۲۰۲۵، پکن از رژیم صهیونیستی خواست به اقدامات نظامی خود پایان دهد و اعلام کرد که از ایران در حفاظت از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود حمایت می‌کند.[۲۳] چین همچنین حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران را محکوم کرد و درباره پیامدهای آن برای امنیت منطقه و نظام بین‌المللی هشدار داد.

واکنش چین به بستن تنگه هرمز توسط ایران در واکنش به حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی از الگویی نسبتاً مشابه با بستن تنگه باب المندب پیروی کرده است و چین ضمن منافع مشترک با آمریکا در باز کردن تنگه، حاضر به همراهی با ابتکارات آنها نشده است. در راستای اقدامات تضعیف کننده طرح آمریکایی- رژیم صهیونیستی برای تضعیف ایران در منطقه، رای منفی چین در این مدت به بیانیه شورای حکام آژانس در ژوئن۲۰۲۶ نیز قابل توجه بوده است.[۲۴]

در مجموع، مواضع چین از نوعی عدم تقارن در واکنش به حملات دو طرف حکایت داشت: پکن در برابر حملات ایران عمدتاً بر خویشتن‌داری و مهار تنش تأکید کرد، اما در برابر حملات رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران، به محکومیت صریح و دفاع از حاکمیت ایران روی آورد. این تفاوت در واکنش‌ها را می‌توان نشانه‌ای از حمایت سیاسی چین از ایران و مخالفت آن با مشروعیت‌بخشی به اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه دانست.

---

۲۲. https://www.mfa.gov.cn/eng/xw/fyrbt/fyrbt/202405/t20240530_11349837.html

۲۳. https://www.mfa.gov.cn/eng/wjb/wjbz/hd/202506/t20250615_11648771.htl

۲۴. https://vienna.china-mission.gov.cn/eng/hyyfy/202606/t20260611_11941948.htm

۲۵. https://www.jpost.com/middle-east/iran-news/article-859692

https://www.ynetnews.com/article/bkremaljzx

در برابر مواضع انتقادی چین درباره اقدامات رژیم صهیونیستی علیه ایران، در حالی که رژیم صهیونیستی در ژوئیه ۲۰۲۵ از چین خواسته بود از نفوذ اقتصادی و سیاسی خود برای مهار برنامه‌های نظامی و هسته‌ای ایران استفاده کند، روزنامه Ynet در سال ۲۰۲۶ از تغییر لحن رژیم صهیونیستی در قبال پکن خبر داد؛ به‌طوری‌که نتانیاهو چین را به حمایت از ایران از طریق تأمین قطعات مورد استفاده در ساخت موشک متهم کرد.[۲۵]

- **در ارتباط با یمن و دریای سرخ**، با وجود نگرانی‌های فزاینده جهانی درباره حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و منافع اقتصادی قابل توجه چین در منطقه، پکن هیچ علاقه‌ای به پرداختن مستقیم به بحران رو به تشدید نشان نداده است؛ چین تحولات را در پیوند با جنگ غزه تحلیل کرد و در واکنش به حملات انصارالله به کشتی‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی، ضمن خودداری از محکومیت صریح این گروه، خواستار توقف حملات به کشتی‌های غیرنظامی و حفظ امنیت خطوط کشتیرانی شد. بااین‌حال، پکن نه به ائتلاف دریایی آمریکا پیوست، نه از عملیات نظامی آمریکا علیه انصارالله حمایت کرد و نه مستقیماً علیه این گروه اقدام نظامی انجام داد.

با وجود نگرانی‌های فزاینده جهانی درباره حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و منافع اقتصادی قابل توجه چین در منطقه، پکن هیچ علاقه‌ای به پرداختن مستقیم به بحران رو به تشدید نشان نداده است؛ عدم همراهی چین با ابتکارات آمریکایی- رژیم صهیونیستی در شرایطی بود که به گزارش فرماندهی مرکزی آمریکا (CENTCOM)، یک کشتی چینی در مارس ۲۰۲۴، مورد اصابت موشک‌های انصارالله قرار گرفت، وزارت خارجه چین در حالی که از تایید و یا رد حمله نیز خودداری کرد، تنها بار دیگر مخالفت کلی خود را با حمله به کشتی‌های غیر نظامی و حمایت از امنیت مسیرهای کشتیرانی در دریای سرخ، راه‌حل ثبات در دریای سرخ را پایان جنگ غزه اعلام کرد.[۲۶] در همین چارچوب، آمریکا بارها از چین خواست از نفوذ بین‌المللی خود برای اعمال فشار بر انصارالله و بازگشایی مسیر کشتیرانی استفاده کند؛ اما پکن با این درخواست‌ها همراهی نکرد. و در مقابل، به نظر می‌رسد چین از طریق رایزنی با انصارالله توانست شرایط عبور امن کشتی‌های چینی را که مقصدی غیر از رژیم صهیونیستی داشتند، فراهم کند.[۲۷]

---

۲۵. https://www.jpost.com/middle-east/iran-news/article-859692

https://www.ynetnews.com/article/bkremaljzx

۲۶. https://www.mfa.gov.cn/eng/xw/fyrbt/lxjzh/202405/t20240530_11347723.html

۲۷. ttps://uat.lloydslist.com/LL1147859/Sino-Russian-boxships-continue-using-Red-Sea-despite-Houthi-threat

در همین دوره، شرکت‌های کشتیرانی کانتینری چینی COSCO و OOCL فعالیت‌های خود در ارتباط با رژیم صهیونیستی را متوقف کردند؛ اقدامی که پس از اعلام هدف قرار دادن کشتی‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی از سوی حوثی‌ها صورت گرفت. شائول اشنایدر، رئیس هیئت‌مدیره بندر دولتی اشدود، در نامه‌ای در ژانویه ۲۰۲۴ این اقدام را معادل «تحریم تجاری علیه رژیم صهیونیستی» توصیف کرد.[۲۸]

در کنار این تحولات، مقام‌های آمریکایی ادعاهایی درباره ارتباط برخی شرکت‌ها و افراد چینی با شبکه تأمین تجهیزات نظامی انصارالله مطرح کردند که نشان دهنده حمایت نسبی چین از انصارالله بود. وزارت خزانه‌داری آمریکا در سال ۲۰۲۵ مدعی شد که شرکت‌های چینی به این شبکه کمک کرده‌اند و قطعات دومنظوره و تجهیزات مورد استفاده در ساخت موشک‌ها و پهپادها را از تأمین‌کنندگان چینی به مناطق تحت کنترل انصارالله منتقل کرده‌اند. همچنین، مقام‌های آمریکایی مدعی شدند که یک شرکت ماهواره‌ای چینی به حوثی‌ها در هدف‌گیری کشتی‌های آمریکایی کمک کرده است. وزارت خزانه‌داری آمریکا در همین ارتباط چند فرد و شرکت چینی را تحریم کرد.[۲۹]

رویکرد چین در قبال تحولات باب‌المندب در سال ۲۰۲۴ را می‌توان در پیوند میان حفظ منافع تجاری خود، همراهی عملی با محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی انصارالله علیه کشتیرانی مرتبط با رژیم صهیونیستی و خودداری از مشارکت در راهبرد فشار نظامی آمریکا بررسی کرد. این رویکرد چندوجهی، ضمن تلاش برای کاهش مخاطرات ناشی از بی‌ثباتی منطقه‌ای برای منافع چین، تلاش کرده است تا تقویت کننده سیاست کلان آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه نباشد. رویکردی که به طور ضمنی در مورد بستن تنگه هرمز توسط ایران و نیز بستن مجدد باب المندب در ماه‌های اخیر نیز اعمال شده‌است.[۳۰]

---

۲۸. https://mei.edu/publication/israel-and-china-time-choosing

۲۹. https://home.treasury.gov/news/press-releases/jy2515

https://home.treasury.gov/news/press-releases/jy2627

۳۰. https://www.al-monitor.com/originals/2026/07/china-touch-yemens-houthis-allow-ships-sail-through-red-sea-sources-say

واکنش چین به مسئله IMEC

رویکرد چین نسبت به طرح کریدور اقتصادی هند–خاورمیانه–اروپا (IMEC) در سپتامبر ۲۰۲۳ نیز ترکیبی از احتیاط و تصریح صریح جبهه‌بندی را نشان می‌دهد. منابع متعدد در ادبیات راهبردی چین تصریح کرده‌اند که ابتکار IMEC تلاشی برای تضعیف ابتکار و کمربند و جاده و تضعیف نفوذ چین در خاورمیانه است.[۳۱] با این وجود چین در سطح رسمی تلاش نکرد IMEC را «دشمن» یا الزاماً «رقیب» BRI معرفی کند؛ وزارت خارجه چین در پاسخ به پرسشی درباره این کریدور گفت چین از «همه ابتکاراتی که واقعاً به توسعه زیرساخت، اتصال و توسعه مشترک کمک کنند» استقبال می‌کند؛ اما هشدار داد که ابتکارات اتصال منطقه‌ای باید «باز و فراگیر» باشند و «نباید به ابزارهای ژئوپلیتیکی تبدیل شوند».[۳۲]

واکنش رژیم صهیونیستی به مواضع چین

واکنش دیپلماتیک چین به حملات حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، از سوی رژیم صهیونیستی ناکافی ارزیابی شد و به افزایش تنش‌های سیاسی میان دو طرف انجامید. یک روز پس از عملیات طوفان الاقصی، یووال واکس (Yuval Waks)، از مقامات ارشد سفارت رژیم صهیونیستی در چین، در گفت‌وگو با رسانه‌ها از موضع اولیه پکن انتقاد کرد و گفت: «وقتی مردم در خیابان‌ها کشته و قتل‌عام می‌شوند، زمان آن نیست که درباره راه‌حل دوکشوری صحبت کنیم.» این انتقاد به موضع چین بازمی‌گشت که به‌جای محکوم‌کردن صریح حماس، بر کاهش تنش، حفاظت از غیرنظامیان و پیشبرد راه‌حل دوکشوری تأکید کرده بود. مقام رژیم صهیونیستی همچنین از اینکه چین به «حق رژیم صهیونیستی برای دفاع از خود و شهروندانش» اشاره نکرده بود، انتقاد کرد. پس از آن نیز مقام‌های رژیم صهیونیستی بارها ناامیدی خود را از مواضع چین ابراز کردند و خواستار موضع‌گیری صریح‌تر پکن در حمایت از رژیم صهیونیستی شدند.[۳۳]

واکنش رژیم صهیونیستی به میزبانی چین از گروه‌های فلسطینی در ژوئیه ۲۰۲۴ و صدور «بیانیه پکن» نیز منفی بود. یکی از محورهای اختلاف این بود که چین حماس را در کنار فتح، در چارچوب توافقی سیاسی درباره آینده فلسطین قرار داد. از نگاه منتقدان رژیم صهیونیستی، این اقدام به معنای واردکردن حماس به ترتیبات سیاسی مربوط به آینده فلسطین بود؛ در حالی که رژیم صهیونیستی با مشارکت این گروه در چنین ترتیباتی مخالف بود.[۳۴]

---

۳۱. https://www.cssn.cn/qygbx/202403/t20240328_5742738.shtml

https://ciss.tsinghua.edu.cn/info/wzjx_mggc/6887

https://www.cssn.cn/qygbx/202407/t20240729_5767372.shtml

۳۲. https://indianexpress.com/article/world/china-says-it-welcomes-india-middle-east-europe-economic-corridor-8935470/lite

۳۳. https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/tracking-chinese-statements-hamas-israel-conflict

https://www.inss.org.il/publication/china-taiwan-israel/

۳۴. https://www.theguardian.com/world/article/2024/jul/23/palestinian-factions-accord-china-talks

تایوان چالش رو به رشد در روابط چین و رژیم صهیونیستی

یکی دیگر از مسائلی که پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به تشدید اختلافات سیاسی میان چین و رژیم صهیونیستی انجامید، روابط رژیم صهیونیستی با تایوان بود. پس از حمله حماس، تایوان برخلاف چین حمایت سیاسی قابل توجهی از رژیم صهیونیستی نشان داد. وزارت خارجه تایوان در همان روز حمله حماس را «حمله‌ای تروریستی» خواند و آن را به‌شدت محکوم کرد.[۳۵] بیانیه تایوان حتی در مقایسه با اظهارات حمایتی سایر متحدان رژیم صهیونیستی نیز بیانیه‌ای بسیار قوی محسوب می‌شد.

حمایت تایوان از رژیم صهیونیستی به موضع‌گیری‌های دیپلماتیک محدود نماند. در داخل تایوان نیز برنامه‌هایی در حمایت و همبستگی با رژیم صهیونیستی برگزار شد و این جزیره از برخی سازمان‌های امدادی و ابتکارهای مرتبط با کمک‌رسانی بازسازی حمایت کرد. تایوان همچنین پس از حملات رژیم صهیونیستی به ایران، مواضعی در حمایت از رژیم صهیونیستی اتخاذ کرد. این اقدامات در مجموع نشان‌دهنده نزدیکی مواضع سیاسی دو طرف در برخی از تحولات منطقه‌ای بود.

در ادامه به نظر می‌رسد تایوان کوشیده است از شرایط جدید بین‌المللی رژیم صهیونیستی برای ارتقای روابط بین المللی خود استفاده کند. رژیم صهیونیستی نیز که از موضع چین در قبال مسئله فلسطین ناراضی بوده است، شروع به استفاده از کارت تایوان در برابر پکن کرده و به تقویت روابط خود با تایوان روی آورده است.

در این چارچوب، تایوان و رژیم صهیونیستی می‌کوشند موقعیت ژئوپلیتیکی خود را مشابه یکدیگر نشان دهند و بر مواجهه هر دو با فشار کشورهای اقتدارگرا تأکید کنند. توپوروفسکی، عضو کنست و رئیس گروه دوستی رژیم صهیونیستی و تایوان، در سفر خود به تایوان، حمله به رژیم صهیونیستی را «حمله‌ای علیه جهان دموکراتیک» توصیف کرد و با مقایسه دو طرف، آن‌ها را دموکراسی‌هایی کوچک در محیطی دشوار دانست.[۳۶]

نمود این همکاری را، علاوه بر حمایت‌های دیپلماتیک تایوان از رژیم صهیونیستی، می‌توان در تقویت همکاری‌های پارلمانی، دفاعی و فناورانه دو طرف مشاهده کرد. معاون وزیر خارجه تایوان به صراحت از تقویت همکاری‌های تایوان و رژیم در حوزه‌های فناوری، پزشکی و دفاعی خبر داده است.[۳۷]

---

۳۵. https://en.mofa.gov.tw/News_Content.aspx

۳۶. https://www.inss.org.il/wp-content/uploads/2024/06/special-publication-160624.pdf

۳۷. https://focustaiwan.tw/politics/202601090020

همکاری‌های پارلمانی

- در ژوئیه ۲۰۲۵، برای نخستین بار، ۷۲ نماینده کنست رژیم صهیونیستی، از ۱۱ حزب و بیش از نیمی از مجموع ۱۲۰ کرسی، بیانیه‌ای مشترک در حمایت از مشارکت بین‌المللی تایوان امضا کردند. این بیانیه به‌طور ویژه بر مشارکت تایوان در سازمان جهانی بهداشت (WHO)، سازمان بین‌المللی هوانوردی کشوری (ICAO) و کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییر اقلیم (UNFCCC) تأکید داشت.[۳۸]
- در سپتامبر ۲۰۲۵، هیئتی شش‌نفره از نمایندگان کنست رژیم صهیونیستی به تایوان سفر کردند و با لای چینگ‌ته، رئیس‌جمهور تایوان، نمایندگان پارلمان و شرکت‌های فناوری این جزیره دیدار کردند.[۳۹] هیئتی دیگر نیز در سال ۲۰۲۶ بار دیگر به تایوان سفر کرد و با رئیس‌جمهور لای چینگ‌ته و رئیس پارلمان تایوان دیدار داشت.[۴۰]

همکاری‌های دفاعی

تایوان و رژیم صهیونیستی پیش از شناسایی جمهوری خلق چین از سوی رژیم صهیونیستی و پذیرش اصل چین واحد، با یکدیگر همکاری‌های دفاعی داشتند. بااین‌حال، این همکاری‌ها از دهه ۱۹۹۰، پس از شناسایی جمهوری خلق چین، تقریباً متوقف شده بود. اما به نظر می‌رسد تایوان از فرصت جنگ غزه برای تقویت مجدد روابط دفاعی خود با رژیم صهیونیستی استفاده کرده است. در اکتبر ۲۰۲۵، تایوان از طرح ایجاد یک سامانه دفاع هوایی چندلایه با عنوان T-Dome خبر داد.[۴۱] این سامانه از نظر ساختاری به الگوی دفاع هوایی رژیم صهیونیستی و سامانه گنبد آهنین شباهت داشت.

نشریه آلمانی ES&T در اوت ۲۰۲۶ گزارش داد که تایوان در طراحی و توسعه سامانه پدافند هوایی چندلایه T-Dome، از تجربیات و سامانه‌های رژیم صهیونیستی، به‌ویژه عملکرد آن‌ها در جنگ اخیر با ایران، الگوبرداری کرده است. بر اساس این گزارش، تایوان عملکرد این سامانه‌ها را به‌طور گسترده بررسی کرده و یافته‌های حاصل را در طراحی و توسعه برنامه پدافند هوایی خود به کار گرفته است. همچنین، به گفته منابع رژیم صهیونیستی، لای چینگ‌ته، رئیس‌جمهور تایوان، الگوی پدافند هوایی چندلایه رژیم صهیونیستی را به‌صراحت الگویی برای مفهوم دفاع ملی تایوان معرفی کرده است. این همکاری به معنای فروش رسمی تسلیحات به تایوان نبود، بلکه بر همکاری‌های فنی و غیرعلنی تکیه داشت.[۴۲]

---

۳۸. https://www.mofa.gov.tw/News_Content.aspx

۳۹. https://www.mofa.gov.tw/News_Content.aspx

۴۰. https://www.ly.gov.tw/EngPages/Detail.aspx

۴۱. https://www.taipeitimes.com/News/taiwan/archives/2025/10/10/2003845237

۴۲. https://esut.de/2026/08/meldungen/74067/luftverteidigung-taiwan-t-dome

شواهد همچنین از همکاری‌های امنیتی رژیم صهیونیستی با تایوان حکایت دارند. در دسامبر ۲۰۲۵، یعنی با فاصله‌ای اندک از اعلام طرح سامانه T-Dome، گزارش‌هایی درباره سفر معاون وزیر دفاع تایوان به رژیم صهیونیستی منتشر شد که با واکنش شدید چین همراه شد و پکن درباره برقراری تماس‌های رسمی با تایوان هشدار داد.

همکاری‌های فناورانه

همکاری‌های فناورانه به عنوان یکی از بخش‌های رو به رشد در همکاری رژیم صهیونیستی و تایوان دیده شده است. مقامات تایوانی تصریح می‌کنند که ترکیب ظرفیت تولیدی تایوان با توانمندی‌های رژیم صهیونیستی در حوزه تحقیق وتوسعه و استارتاپ‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری فرصت‌های جدید برای همکاری میان دو طرف شود.[۴۴]

هرچند رژیم صهیونیستی می‌کوشد ضمن ارتقای روابط با تایوان، این روابط را به‌گونه‌ای مدیریت کند که خللی در سیاست چین واحد ایجاد نشود، این تحولات از دید پکن دور نمانده است. چین به اقدامات رژیم صهیونیستی برای تقویت روابط با تایوان واکنش شدیدی نشان داده است.[۴۵]

---

۴۳. https://www.reuters.com/business/aerospace-defense/taiwans-deputy-foreign-minister-made-secret-trip-israel-sources-say-2025-12-11/

۴۴.https://www.cieca.org.tw/en/news-53471/Israeli-Representative-Israel-Strulov-Visited-CIECA-to-Explore-New-Opportunities-for-Taiwan%E2%80%93Israel-Industrial-Cooperation.html

۴۵. https://www.jpost.com/opinion/article-904311m

تحولات در روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی

سرمایه‌گذاری چین در رژیم صهیونیستی

در سال‌های اخیر، روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی دستخوش تغییرات جدی شده است. همان‌طور که در گزارش پیشین اشاره کردیم، با تشدید رقابت راهبردی میان چین و آمریکا، واشنگتن تلاش کرد نفوذ چین در رژیم صهیونیستی را نیز کاهش دهد و مانع انتقال فناوری از رژیم صهیونیستی به چین شود. در سال ۲۰۲۰، در پی این فشارها، رژیم صهیونیستی کمیته‌ای مشورتی برای بررسی سرمایه‌گذاری‌های خارجی تشکیل داد. در نتیجه، سرمایه گذاری‌های چین در بخش‌هایی مانند زیرساخت‌های حیاتی، مخابرات و بنادر با سخت‌گیری بیشتری مورد بررسی قرار گرفتند. این روند به کاهش سرمایه‌گذاری‌های چین در رژیم صهیونیستی انجامید و پس از سال ۲۰۲۳ نیز ادامه یافت.

برای مثال:

- در فوریه ۲۰۲۴، شرکت چینی China Harbour Engineering Company (CHEC) به دلایل مرتبط با «امنیت ملی» از مناقصه احداث تأسیسات بندری در خلیج حیفا کنار گذاشته شد.[۴۶]
- در آوریل ۲۰۲۵، فشار دولت آمریکا موجب شد وزارت دارایی رژیم صهیونیستی از تأیید قرارداد تأمین واگن‌های خط آبی قطار سبک شهری اورشلیم با شرکت دولتی چینی CRRC خودداری کند.[۴۷] هرچند بعدتر، با جایگزینی شرکت تابعه آمریکایی این شرکت چینی، توافق از سرگرفته شد.[۴۸]

علاوه بر این جنگ غزه، ناآرامی‌های ناشی از آن در رژیم صهیونیستی و نیز تنش‌های سیاسی بین دو طرف، روند همکاری‌ها و فعالیتهای چین در رژیم صهیونیستی را بیش از پیش کاهش داد. در سال ۲۰۲۳ و همزمان با تشدید درگیری‌ها در رژیم صهیونیستی، نهادهای نظارتی چین اقدام به طبقه‌بندی برخی مناطق رژیم صهیونیستی در گروه موسوم به «رده قرمز» (Red Category) کرده‌اند؛ عنوانی اداری که این مناطق را به‌عنوان حوزه‌های پرخطر برای سرمایه‌گذاری مشخص می‌کند. این طبقه‌بندی محدودیت‌های حقوقی‌ای ایجاد می‌کند که مانع تزریق سرمایه‌گذاری های مالی جدید به این مناطق می‌شود و حتی چارچوب حقوقی در اختیار شرکتهای چینی قرار می‌دهد تا به واسطه آن بتوانند از سرمایه‌گذاری‌های سابق خود خارج شوند. [۴۹]

۴۶. https://www.ynetnews.com/business/article/h1fdbfylc

۴۷. https://www.calcalist.co.il/local_news/article/skujuwoajg

۴۸. https://www.calcalist.co.il/local_news/article/hkhhlmncke

۴۹. https://www.habtoorresearch.com/programmes/china-investment-israel/

از سوی دیگر، با آغاز جنگ غزه، طرف رژیم صهیونیستیی نیز سخت‌گیری‌ها در این حوزه را افزایش داد و فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های جدید چین را محدودتر کرد. برای مثال، در ژانویه ۲۰۲۴، رئیس بندر اشدود خواستار محدود کردن فعالیت و دسترسی شرکت چینی Shanghai International Port Group (SIPG) در بندر Bayport حیفا شد. نگرانی اصلی در این زمینه، دسترسی شرکت چینی به اطلاعات و زیرساخت‌های حساس بندری در شرایط جنگ بود. [۵۰]

مجموع این دو روند، یعنی تشدید محدودیت‌های سرمایه‌گذاری از سوی چین و افزایش سخت‌گیری‌های رژیم صهیونیستی، به کاهش سرمایه‌گذاری چین در رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر انجامیده است. در سال ۲۰۲۰، سرمایه‌گذاری چین حدود ۱.۶۳ میلیارد دلار، معادل ۶.۷ درصد از کل سرمایه‌گذاری خارجی در رژیم صهیونیستی، بود. این رقم در سال ۲۰۲۳ به سطحی کم‌سابقه سقوط کرد و به حدود ۳۹ میلیون دلار، معادل تنها ۰.۱۲ درصد از کل سرمایه‌گذاری خارجی، رسید. در سال ۲۰۲۴، نوعی بهبود در سرمایه‌گذاری‌ها مشاهده شد و حجم آن به حدود ۸۰۰ میلیون دلار، معادل حدود ۳.۶ درصد، افزایش یافت. بااین‌حال، بخش عمده این افزایش ناشی از یک معامله بزرگ و موردی در صنعت بازی‌های رایانه‌ای بود: شرکت Playtika، متعلق به یک شرکت چینی، شرکت Superplay را به ارزش حدود ۷۰۰ میلیون دلار خریداری کرد. بنابراین، این افزایش را نمی‌توان نشانه بازگشت گسترده یا نظام‌مند سرمایه چین به رژیم صهیونیستی دانست. [۵۱]

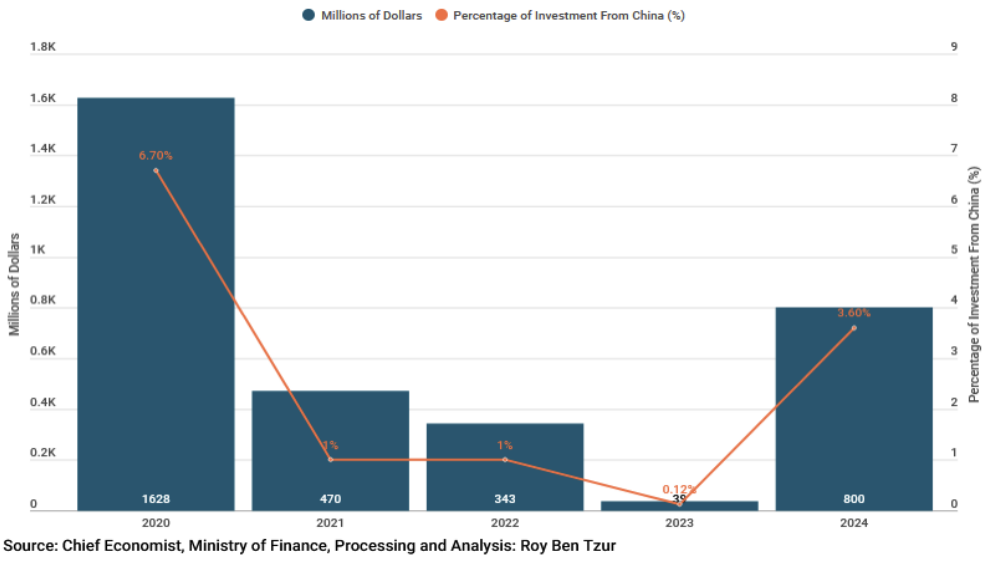

نمودار ۱- سرمایه‌گذاری‌های چین در رژیم صهیونیستی و سهم آن از کل سرمایه‌گذاری خارجی در رژیم صهیونیستی، ۲۰۲۰-۲۰۲۴ [۵۲]

۵۰. https://www.swissinfo.ch/eng/israel%27s-ashdod-port-sees-strategic-risk-from-china-during-gaza-war/71926389

۵۱. https://www.inss.org.il/he/publication/chinese-investments-in-israel

۵۲. https://www.inss.org.il/publication/chinese-investments-in-israel/

روند کاهش سرمایه‌گذاری چین در رژیم صهیونیستی به پروژه‌های بزرگ محدود نبوده و در تعداد معاملات نیز مشاهده می‌شود. تعداد سرمایه‌گذاری‌های چین در رژیم صهیونیستی از ۶۹ مورد در سال ۲۰۲۰ به پنج مورد در سال ۲۰۲۵ کاهش یافته است.

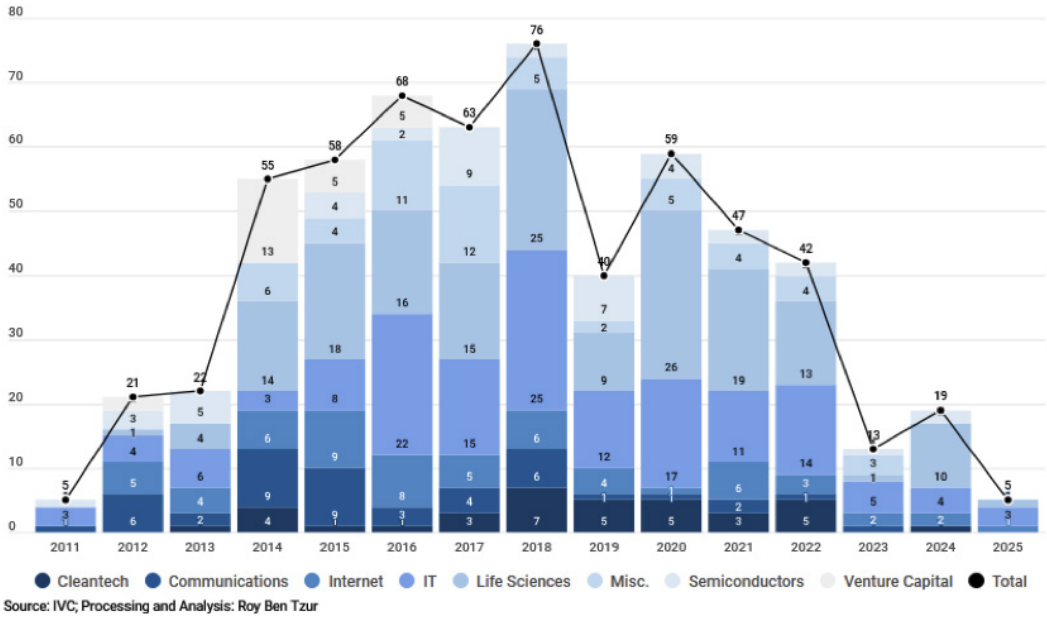

نمودار ۲- سرمایه‌گذاری‌های چین در رژیم صهیونیستی بر اساس تعداد معاملات و حوزه سرمایه‌گذاری، ۲۰۱۱-۲۰۲۵ [۵۳]

هم‌زمان، تنوع سرمایه‌گذاری‌ها نیز کاهش یافته و سرمایه‌ها در حوزه‌های مشخصی متمرکز شده‌اند. بخش عمده سرمایه‌گذاری‌های کنونی در حوزه‌های علوم زیستی، فناوری‌های پزشکی و فناوری مالی (فین‌تک) انجام می‌شود. در مقابل، سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها، از جمله اینترنت، فناوری پاک، نیمه‌رساناها و ارتباطات، سهمی فرعی دارد. سرمایه‌گذاری در حوزه‌های حمل‌ونقل و زیرساخت نیز طی پنج سال گذشته تقریباً از میان رفته است.

همچنین، در حالی که شرکت‌های دولتی و بنگاه‌های عمومی چین در دهه گذشته مشارکت قابل‌توجهی در سرمایه گذاری در رژیم صهیونیستی داشتند، از سال ۲۰۲۳ سرمایه‌گذاری مستقیم سهامی شرکت‌ها و صندوق‌های دولتی چین تقریباً به‌طور کامل متوقف شده است. در حال حاضر، بخش عمده فعالیت‌ها از طریق صندوق‌های سرمایه گذاری خطرپذیر چینی و سرمایه‌گذاران خصوصی انجام می‌شود؛ الگویی که امکان حضوری با فاصله نهادی بیشتر از دولت و حزب کمونیست چین را فراهم می‌کند.[۵۴]

۵۳. https://www.inss.org.il/he/publication/chinese-investments-in-israel

۵۴. https://www.inss.org.il/he/publication/chinese-investments-in-israel

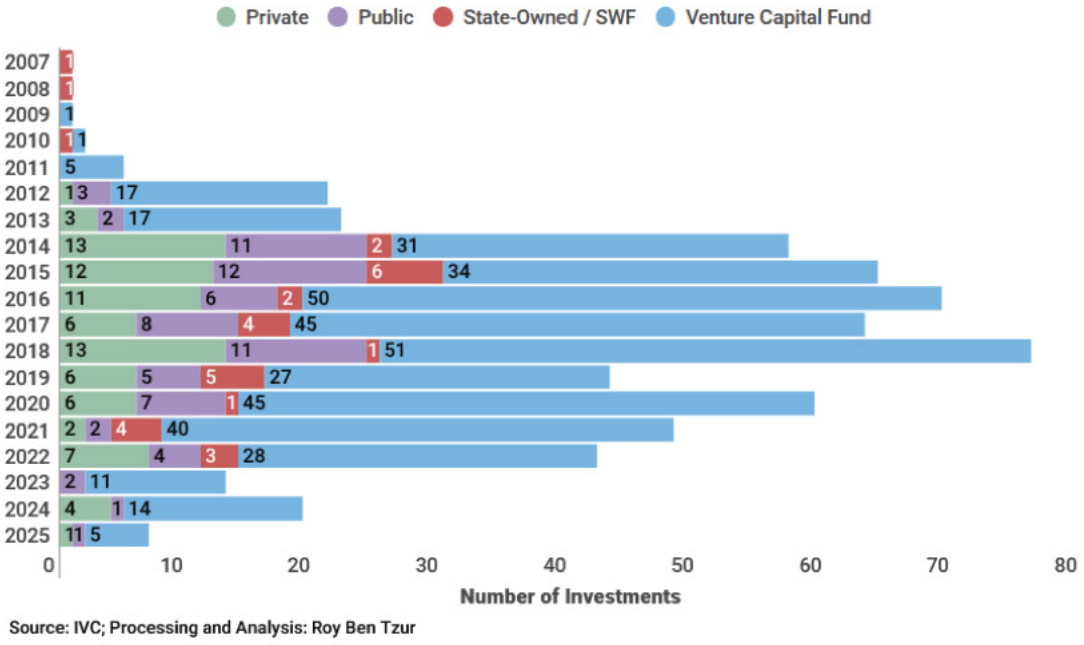

نمودار ۳- سرمایه‌گذاری‌های چین در رژیم صهیونیستی بر اساس هویت سرمایه‌گذار [۵۵]

این الگو نشان‌دهنده سازگاری آشکار سرمایه چین با محیط مقرراتی و ژئوپلیتیکی سخت‌گیرانه‌تر و نیز افزایش حساسیت رژیم صهیونیستی و آمریکا نسبت به مشارکت مستقیم بازیگران دولتی چین است. بنابراین، آنچه رخ داده صرفاً کاهش حجم سرمایه‌گذاری‌ها نیست، بلکه تغییر در ماهیت و ساختار آن‌ها نیز هست؛ تغییری که با هدف کاهش مواجهه با انتقاد، غربالگری یا ممانعت‌های مقرراتی صورت گرفته است.

بااین‌حال، کاهش شدید سرمایه‌گذاری‌های چین به معنای از میان رفتن کامل حضور چین در رژیم صهیونیستی نیست. در سال ۲۰۲۵، کنسرسیومی متشکل از سه شرکت چینی قراردادهای اجرایی احداث دو نیروگاه گازی برای شرکت دالیا انرژی رژیم صهیونیستی را به دست آورد. ارزش مجموع این دو پروژه حدود ۷ میلیارد شِکِل برآورد شده است. این توافق‌ها نشان‌دهنده تداوم حضور شرکت‌های چینی در پروژه‌های بزرگ زیرساختی رژیم صهیونیستی پس از اکتبر ۲۰۲۳ است.[۵۶]

۵۵. https://www.inss.org.il/publication/chinese-investments-in-israel/

۵۶. https://www.jpost.com/business-and-innovation/article-874132

کارگران چینی در رژیم صهیونیستی

جنگ در رژیم صهیونیستی، حضور کارگران چینی را نیز در رژیم صهیونیستی با تغییراتی مواجه کرده است. گزارش مؤسسه مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی (INSS) در ژوئن ۲۰۲۴، نشان می‌داد که در ماه‌های نخست جنگ دولت چین از اعزام کارگران بیشتر به رژیم صهیونیستی خودداری کرده، اما کارگرانی که از قبل در رژیم صهیونیستی بودند، به کار ادامه داده‌اند.[۵۷] این وضعیت به کاهش قابل توجه نیروی کار ماهر در رژیم صهیونیستی به خصوص در زمینه ساخت‌وساز دامن زد.[۵۸] با این حال گزارش‌های جدید نشان می‌دهند که هر چند سهم چین از کارگران خارجی در رژیم صهیونیستی به طور کلی کاهش یافته است اما تعداد مطلق این کارگران روند رو به افزایشی پیدا کرده‌است.

نمودار ۴- تعداد کارگران چینی در بخش ساخت و ساز رژیم صهیونیستی و سهم آنها از کل کارگران خارجی [۵۹]

۵۷. https://www.inss.org.il/publication/china-taiwan-israel/

۵۸. https://www.habtoorresearch.com/programmes/china-investment-israel/

۵۹. https://www.inss.org.il/publication/china-middle-east-2025/

تجارت

برخلاف روند کاهشی سرمایه‌گذاری چین در رژیم صهیونیستی، تجارت میان دو طرف روند متفاوتی را نشان می‌دهد. در سال ۲۰۲۵، حجم تجارت کالا میان چین و رژیم صهیونیستی به ۲۱.۷ میلیارد دلار رسید که بالاترین رقم در تاریخ روابط اقتصادی دو کشور است. این افزایش عمدتاً ناشی از رشد واردات رژیم صهیونیستی از چین بوده است؛ درحالی که صادرات رژیم صهیونیستی به چین به پایین‌ترین سطح خود از سال ۲۰۱۵ رسیده است.

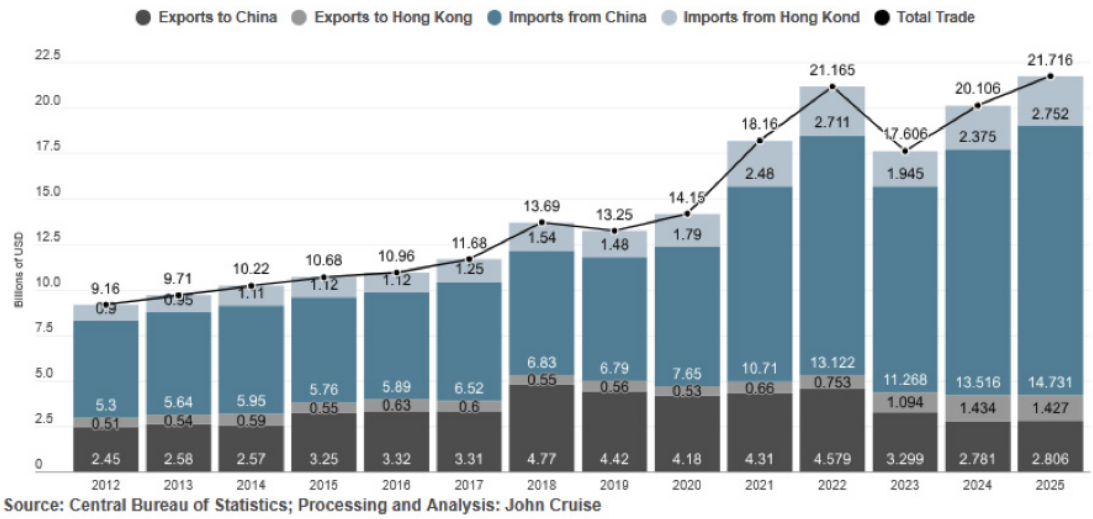

نمودار ۵- تجارت کالا میان رژیم صهیونیستی و چین، ۲۰۱۲-۲۰۲۵ [۶۰]

حرکت از حوزه‌های سرمایه‌گذاری زیر ساختی و فناورانه، به‌عنوان شکلی از رابطه اقتصادی بلندمدت و عمیق‌تر، به سمت تجارت کالا، نشان‌دهنده تغییر قابل‌توجهی در الگوی همکاری اقتصادی دو طرف است. این تحول می‌تواند حاکی از افزایش ناپایداری روابط اقتصادی و کاهش اطمینان سیاست‌گذاران چینی نسبت به ثبات بلندمدت این رابطه باشد.

۶۰. https://www.inss.org.il/publication/chinese-investments-in-israel/

تغییر نگاه به چین در جامعه رژیم صهیونیستی

پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، تصویر عمومی چین در جامعه رژیم صهیونیستی آسیب دید و نگرش‌ها به این کشور عمدتاً منفی‌تر شد. داده‌های مرکز تحلیل داده‌های مؤسسه مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی (INSS) نشان می‌دهد که در آوریل ۲۰۲۴، تنها ۱۵.۵ درصد از پاسخ‌گویان، چین را متحد یا دوست رژیم صهیونیستی می‌دانستند؛ درحالی‌که ۴۲.۱ درصد آن را کشوری غیردوست و ۱۱.۹ درصد آن را خصم رژیم صهیونیستی ارزیابی می‌کردند. در ژوئیه ۲۰۲۵، سهم کسانی که چین را دوست یا متحد رژیم صهیونیستی می‌دانستند به ۲۲ درصد افزایش یافت، اما سهم ارزیابی‌کنندگان چین به‌عنوان کشوری غیردوست همچنان ۴۲ درصد باقی ماند. نتایج نظرسنجی مرکز پژوهشی پیو (Pew Research Center) نیز کاهش نگاه مثبت به چین را تأیید می‌کند: سهم اسرائیلی‌هایی که دیدگاهی مثبت به چین داشتند، از ۴۸ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۳۳ درصد در سال ۲۰۲۴ رسید و در سال ۲۰۲۵ در همین سطح باقی ماند. این تغییر در میان یهودیان رژیم صهیونیستی برجسته‌تر بود؛ به‌طوری‌که در سال ۲۰۲۴، تنها ۲۵ درصد آنان نگاه مثبتی به چین داشتند، درحالی‌که این رقم در میان عرب‌های رژیم صهیونیستی ۶۱ درصد بود. در مجموع، این داده‌ها از تداوم بدبینی بخش قابل‌توجهی از جامعه رژیم صهیونیستی به چین پس از آغاز جنگ غزه حکایت دارند؛ هرچند شدت این نگرش در گروه‌های مختلف جمعیتی یکسان نیست.[۶۱]

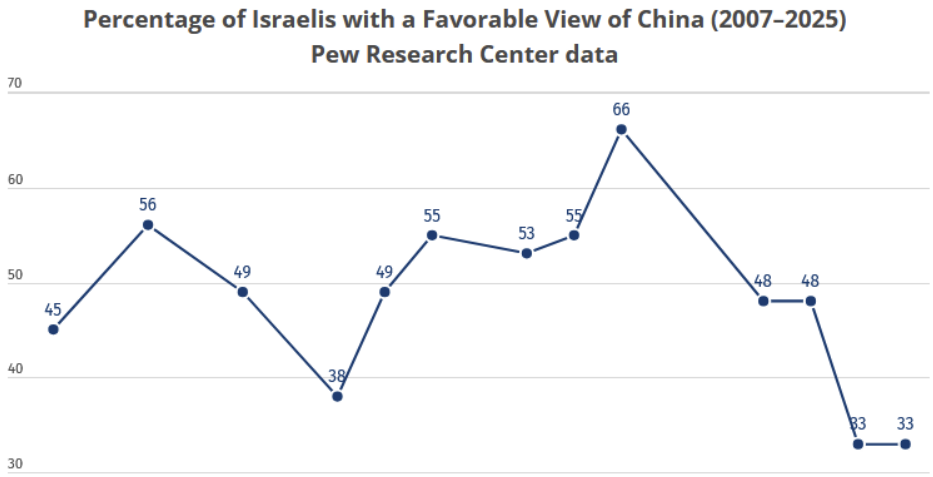

نمودار ۶- تغییرات در دیدگاه مثبت افکار عمومی رژیم صهیونیستی درباره چین بر اساس داده‌های مرکز پژوهشی پیو در سال‌های ۲۰۰۷- ۲۰۲۵

۶۱. https://www.inss.org.il/strategic_assessment/ben-zur/

مدیریت تنش در روابط دو جانبه

با وجود تداوم اختلافات، به نظر می‌رسد هر دو طرف کوشیده‌اند تنش‌های سیاسی را تا حدی مدیریت کنند. برای نمونه، شیائو جون‌ژنگ، سفیر جدید چین که در نوامبر ۲۰۲۴ جایگزین تسای رون شد، در مواضع علنی خود بر دوستی چین با کشورهای خاورمیانه، پایان جنگ و همزیستی مسالمت‌آمیز رژیم صهیونیستی و فلسطین تأکید کرد. او همچنین در مقاله‌ای که در آوریل ۲۰۲۵ در Israel Hayom منتشر شد، به اتهام‌های مربوط به یهودستیزی در چین پرداخت و بر مخالفت چین با یهودستیزی، احترام این کشور به حق موجودیت رژیم صهیونیستی و آمادگی پکن برای گسترش همکاری با آن تأکید کرد. [۶۲]

یکی از مواضع قابل‌توجه سفیر جدید چین، اظهارات او در مصاحبه با پادکست ILTV News در مه ۲۰۲۵ بود. او در این مصاحبه، برای اولین بار به عنوان یک مقام رسمی چینی آنچه را که حماس در هفتم اکتبر انجام داده بود را محکوم کرد. این محکومیت در قالب مخالفت با هر گونه حمله مسلحانه و مجازات جمعی مطرح شد.[۶۳] هر چند به نظر می‌رسد مخاطب این پیام عمدتا جامع داخلی رژیم صهیونیستی بود و چین در جوامع بین‌المللی مواضع قبلی خود را ادامه داد.

۶۲. https://il.china-embassy.gov.cn/eng/sgxw/202504/t20250428_11606058.htm

۶۳. https://discoursepower.substack.com/p/china-breaks-silence-on-hamas-massacre

جمع‌بندی

از اکتبر ۲۰۲۳ و هم‌زمان با تشدید تنش‌ها در غرب آسیا، سیاست چین در قبال رژیم صهیونیستی و تحولات منطقه دستخوش تغییرات قابل‌توجهی شده است. این تغییرات را می‌توان در چند محور تحلیل کرد:

- افزایش ناپایداری در روابط دوجانبه: روابط چین و رژیم صهیونیستی با تشدید تنش‌های منطقه‌ای، با شتاب بیشتری به سمت ناپایداری حرکت کرده است. فشارهای آمریکا بر رژیم صهیونیستی برای کاهش روابط با چین در چارچوب رقابت راهبردی دو قدرت، در کنار تقویت نسبی روابط رژیم صهیونیستی و تایوان، بر چالش‌های روابط دوجانبه افزوده است.
- تغییر نگاه چین به نقش منطقه‌ای رژیم صهیونیستی: در این روند چین نه‌تنها از اقدامات رژیم صهیونیستی در منطقه حمایت نکرده، بلکه در مواضع خود، این رژیم را عوامل اصلی تشدید تنش‌ها معرفی کرده و مهار اقدامات آن را راه‌حل برقراری ثبات منطقه می‌بیند.
- کاهش استقلال رابطه چین با رژیم صهیونیستی: با وجود تشدید رقابت چین و آمریکا از سال ۲۰۱۷، پکن پیش از ۷ اکتبر تلاش می‌کرد رابطه‌ای مستقل با رژیم صهیونیستی را پیگیری کند. اما تحولات پس از این تاریخ، این استقلال را کاهش داده و سیاست چین در قبال رژیم صهیونیستی را بیش از گذشته به رقابت کلان آن با آمریکا پیوند زده است.
- فاصله‌گذاری چین میان ابتکارات آمریکایی ـ رژیم صهیونیستی و منافع خود در منطقه: چین در تحولات غرب آسیا رویکردی محتاطانه در پیش گرفته و کوشیده است از درگیری مستقیم در بحران‌های منطقه‌ای پرهیز کند. در عین حال، از ابتکارات آمریکایی ـ رژیم صهیونیستی که در چارچوب نظم منطقه‌ای موردنظر واشنگتن، به تقویت جایگاه رژیم صهیونیستی و افزایش نفوذ آمریکا منجر می‌شوند، حمایت سیاسی یا عملی نکرده است. پکن همچنین تلاش کرده است میان تأمین منافع خود و همراهی با این ابتکارات فاصله مشخصی حفظ کند و در مواردی که ظاهراً منافع مشترکی با آمریکا و رژیم صهیونیستی داشته، منافع خود را با تحمیل هزینه کمتر به جبهه مقاومت تأمین کند.
- حمایت نسبی از محور مقاومت: چین، با وجود برخی انتخاب‌های عمل‌گرایانه و تلاش برای حفظ سطحی از روابط با رژیم صهیونیستی، در مجموع حمایت نسبی از اعضای محور مقاومت را دنبال کرده است؛ حمایتی که در مقایسه با برخی ملاحظات دوجانبه، وزن بیشتری در مواضع منطقه‌ای چین یافته و به محدودشدن روند تقویت جایگاه رژیم صهیونیستی کمک کرده است. بااین‌حال، حداقلی بودن این حمایت‌ها می‌تواند نشان دهنده این باشد که چین هرچند مخالف غلبه رژیم صهیونیستی و نظم آمریکایی در منطقه است اما تمایلی به غلبه محور مقاومت بر منطقه نیز ندارد. با این وجود این حمایتها را باید آن‌ها را در چارچوب رقابت کلان با آمریکا و مخالفت با محوریت‌بخشی به رژیم صهیونیستی در نظم منطقه‌ای موردنظر واشنگتن تحلیل کرد. از این منظر، حمایت چین از محور مقاومت و خودداری از همراهی با ابتکارات آمریکایی ـ رژیم صهیونیستی، تا حدی در راستای حفظ توان بازدارندگی این محور در برابر ابتکارات یادشده قابل‌فهم است.

- پرهیز از پذیرش مسئولیت رهبری در حل بحران‌های منطقه: چین از مسئله غزه برای برجسته‌کردن تفاوت رویکرد خود با آمریکا در مدیریت بحران‌های بین‌المللی استفاده کرده و کوشیده است خود را حامی صلح و همسو با بسیاری از کشورهای غیرغربی در حمایت از آرمان فلسطین معرفی کند. بااین‌حال، این کشور حل بحران را عمدتاً در چارچوب سازوکارهای چندجانبه و تحت رهبری سازمان ملل تعریف کرده و مسئولیت اصلی پیشبرد روند سیاسی را متوجه شورای امنیت و سازمان ملل دانسته است؛ رویکردی که نشان می‌دهد پکن، با وجود گسترش حضور دیپلماتیک خود در خاورمیانه، تمایلی به پذیرش مسئولیت مستقیم و رهبری‌کننده در حل مناقشه غزه و دیگر بحران‌های منطقه نداشته است. میانجی‌گری چین در توافق ایران و عربستان برای ازسرگیری روابط در مارس ۲۰۲۳، نمونه‌ای برجسته از گسترش حضور دیپلماتیک این کشور در منطقه بود؛ بااین حال، پکن در بحران غزه مسیر متفاوتی در پیش گرفت. برای نمونه، چین در اواخر نوامبر ۲۰۲۳ سند پنج‌ماده‌ای موضع خود را منتشر کرد که بر آتش‌بس فوری، حفاظت از غیرنظامیان و افزایش کمک‌های بشردوستانه تأکید داشت و نقش محوری در پیشبرد این محورها را برای سازمان ملل و شورای امنیت در نظر می‌گرفت. وانگ یی نیز در سفر به مصر در اوایل سال ۲۰۲۴، از برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی صلح در مقیاسی گسترده‌تر حمایت کرد و خواستار ایفای نقشی فعال از سوی سازمان ملل شد. در این ابتکارات، پیشنهاد پیشین پکن در بهار ۲۰۲۳، برای میانجی‌گری میان رژیم صهیونیستی و فلسطین برجستگی نداشت. این روند تایید می‌کند که چین تمایلی برای بر عهده گرفتن نقشی بزرگ‌تر در آینده منطقه ندارد.
- تلاش برای شکل‌گیری موازنه‌ای فراتر از دو قطب رژیم صهیونیستی و محور مقاومت: حمایت چین از کشورهای عربی و ابتکارات منطقه‌ای، از جمله پیمان مکه، در کنار مواضع حداقلی آن درباره محور مقاومت و رژیم صهیونیستی، نشان می‌دهد که پکن به‌دنبال محدودکردن نظم منطقه‌ای به رقابت میان رژیم صهیونیستی و محور مقاومت نیست. به نظر می‌رسد چین ترجیح می‌دهد بازیگر سومی، متشکل از کشورهای عربی و دیگر بازیگران منطقه‌ای، نیز در شکل‌دهی به نظم جدید نقش داشته باشد تا در نهایت، موازنه‌ای متفاوت در منطقه شکل بگیرد.

ISA CENTER

International & Strategic
Analysis Center